

گفت‌و‌گو با بتول فرنوش
کارشناس کتابهای علوم در آموزش و پرورش



کتاب خوب

بچه‌ها را به فکر وامی‌دارد



● بهروز رضایی

از سال ۱۳۶۱ به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد است و هم‌اکنون در پیش‌دانشگاهی ملاحظه‌را (منطقه ۲ تهران) فیزیک تدریس می‌کند. به قول خودش، طی این سالها با دانش‌آموزان پایه‌های متفاوت تحصیلی از دوره ابتدایی تا دانشگاه سروکار داشته است. دوره کارشناسی خود را در رشته فیزیک کاربردی، در دانشگاه شریف گذرانده است و مدرک کارشناسی ارشدش را در سال ۱۳۸۲ از دانشگاه آزاد تهران دریافت داشته است. اکنون چند سالی است که داوری کتابهای آموزشی را در دبیرخانه طرح سامان‌بخشی کتابهای آموزشی بر عهده دارد.

■ در انتخاب کتاب مناسب، ملاک و معیار اصلی چیست؟

این سؤال را خود شما در دبیرخانه طرح سامان‌بخشی باید جواب دهید.

■ نگاه شما چیست؟

من کتابهای علوم را که بررسی می‌کنم، توجه اصلی‌ام به هدفهای علوم و برنامه درسی علوم

است؛ یعنی از خودم می‌پرسم که این کتاب در چارچوب اهداف برنامه‌ریزی درسی تدوین شده است یا نه.

■ آیا کتاب مناسب کتابی است که فقط از برنامه‌ی درسی تبعیت کند؟ یعنی به جز مطابقت با برنامه‌ی درسی، نباید ویژگیهای دیگری نیز داشته باشد تا از نظر شما نمره‌ی قبولی بیاورد؟ شما موقع بررسی کتاب، به چه چیزهای دیگر نمره می‌دهید؟

من
به کتابهایی نمره
قبولی می‌دهم که ذهن
بچه‌ها را فعال کند؛ خلاقیتشان
را پرورش دهد؛ خواننده
را به چالش بکشد و به
کنجکاوی اش دامن
بزند

من به کتابهایی نمره‌ی قبولی می‌دهم که ذهن بچه‌ها را فعال کند. آنها را به فکر کردن وادارد و خلاقیتشان را پرورش دهد. من کتابهای مهارتی را کتابهای دانشی - مهارتی را به کتابهایی که دانشی محض باشند، ترجیح می‌دهم. کتابهایی که خواننده را به چالش، درگیر کند و به فکر وادارد. به پرسیدن علاقه‌مندش کند و حس کنجکاوی را در او دامن بزند. در کودک برای دانستن بیشتر انگیزه ایجاد کند. این‌گونه کتابها را بیشتر تأیید می‌کنم و طوری نمره می‌دهم که چنین کتابهایی نمره بیاورند. گاهی یک کتاب، آزمایشی را مرحله به مرحله توضیح می‌دهد و بعد هم جواب را ارائه می‌کند. ولی ممکن است کتابی هم باشد که برای بچه‌ها سؤال ایجاد کند. خب چنین کتابی را من بهتر می‌دانم، چون فکر می‌کنم این روش باعث می‌شود بچه‌ها به دنبال سؤال و جواب آن بروند. یعنی حس کنجکاوی بچه‌ها را تحریک و تشویق می‌کند. متأسفانه این‌گونه کتابها بیشتر در میان کتابهای ترجمه‌ای دیده می‌شوند تا تألیفی.

■ چرا کتاب تألیفی خوب و مناسب زیاد نداریم؟

شاید فرهنگ‌سازی و تبلیغ کافی و لازم نشده است. شاید واقعاً خود نویسنده نمی‌داند که چگونه باید کتابش را بنویسد. اگر این طور باشد باید تلاش کنند آگاهی بیشتری از نحوه‌ی ارزیابی کتابها به دست بیاورند.

البته نوشتن کتابهای خوب شروع شده است. اتفاقاً امروز کتاب خوبی را دیدم که هدفها را به خوبی رعایت کرده بود. منتها کمی غلط علمی داشت که در نهایت آن را رد کردم؛ چون نمی‌شود ما به بچه‌ها آموزش غلط بدهیم. ولی ساختار کتاب، خوب و مناسب بود. این روند شروع شده است، اگرچه هنوز در ابتدای راهیم. حالا شاید کتابهای بازاری‌پسند را بیشتر و این دسته کتابها را کمتر بخرند، ولی باید برای این کتابها تبلیغ شود و مخصوصاً توجه معلمان را باید به سوی این کتابها جلب کرد.

معلمان نقش خیلی مهمی دارند. آنها می‌توانند بچه‌ها را به سمتی هدایت کنند که کتابهای خوب بخوانند. وقتی معلم این کتابها را به بچه‌ها معرفی می‌کند، مسلماً بچه‌ها بیشتر استقبال می‌کنند. در این صورت ناشران هم بیشتر به سراغ این کتابها می‌روند. به هر حال، شما با فرهنگ‌سازی

و آشنا کردن نویسندگان و معلمان با اهداف طرح، می‌توانید کمک زیادی به بهبود کیفیت کتابها بکنید.

■ خودتان کتاب تألیف کرده‌اید؟

بله، یک کتاب کار با نام «گنجینه یادگیری» که به عنوان کتاب برگزیده انتخاب شد. برای انتشارات مدرسه هم یک سلسله کتاب کار در موضوع علوم تجربی تألیف کرده‌ایم؛ البته فقط قسمت فیزیک را من نوشته‌ام.

■ به نظر شما کتابهای کار ذهن بچه‌ها را بیشتر به کار وامی‌دارند یا کتابهای آموزشی غیر کار و به اصطلاح کتابهایی که دانش‌افزایی می‌کنند؟

هر دو باید بچه‌ها را به فکر و فعالیت وادار کنند. یادگیری و یاددهی فعال جزو اهداف برنامه درسی است و این ویژگی می‌تواند هم در کتاب کار باشد، هم در کتاب غیر کار. کتاب کاری که فقط بر حافظه و دانش محض تأکید دارد، یادگیری را ماندگار نمی‌کند. متأسفانه اکثر کتابهای کار ما این‌گونه هستند.

■ کتاب کار در هر حال، در چارچوب کتاب درسی نوشته می‌شود و حداکثر کاری که می‌کند این است که مفاهیم کتاب درسی را در ذهن دانش‌آموز تثبیت می‌کند. ولی مفهوم جدیدی به داناییهای خواننده نمی‌افزاید و تجربه جدیدی به تجربه‌های او اضافه نمی‌کند. آیا این تلقی درست است؟ اگر درست است، یک کتاب کار چگونه می‌تواند آن ویژگیها را داشته باشد؟

تلقی شما درست است. یعنی هر کتاب کاری در چارچوب مفاهیمی نوشته می‌شود که کتاب درسی و برنامه درسی ما می‌گوید. ولی ما علاوه بر هدفهای دانشی، هدفهای مهارتی و نگرشی هم داریم که این دو هدف، غالباً در کتابهای کار نادیده گرفته می‌شوند. ما می‌خواهیم بچه‌ها با موضوع درگیر شوند تا آن را عمیقاً یاد بگیرند. بنابراین باید کتاب کاری را انتخاب کنیم که در این چارچوب بچه‌ها را به فکر کردن وادارد و خلاقیت‌های آنها را پرورش دهد. دنبال کتاب کاری نباشیم که فقط دانش و مفاهیم را ساده نقل می‌کند و می‌گذرد. این هدفها، هم باید در کتابهای کار لحاظ شوند، هم در کتابهای غیر کار. منتها در کتاب کار یا کمک‌درسی، این دو هدف در چارچوب مفاهیم موجود در برنامه درسی دنبال می‌شوند. در کتابهای غیردرسی هم اگر این دو هدف دنبال شوند، کتاب خوبی از کار در خواهد آمد.

■ برخی معتقدند، کتابهای کار را باید از گردونه کتابهای مناسب خارج کنیم و اصلاً مورد بررسی قرار ندهیم. به همین دلیل که کاملاً به چارچوب کتابهای درسی محدود هستند. نظر شما چیست؟

چون معلمان ما در آموزش خود، از کتابهای کار هم استفاده می‌کنند، باید این کتابها هم باشند. منتها کتاب کار خوب خیلی کم است و این وظیفه ما را برای شناسایی این کتابها و معرفی آنها

سخت‌تر می‌کند.

■ به نظر می‌آید شما در انتخاب کتاب خیلی سخت‌گیری می‌کنید. مثلاً بین کتابهای علوم دورهٔ راهنمایی کتابی بود که معلم بررسی‌کننده، به آن امتیاز کامل (۶۰) داده است؛* ولی شما به همان کتاب ۴۰ یا ۴۵ داده‌اید. در همین کتابی که گفتیم، نویسنده یا نویسندگان تلاش کرده بودند که مطالب را به متنوع‌ترین شکل ممکن ارائه دهند. آنها در رشتهٔ خودشان هم آدمهای متخصصی هستند. خوب شما چه انتظاری از یک کتاب دارید؟ یعنی کتاب چه چیزهایی باید داشته باشد تا شما به آن ۶۰ بدهید؟

ما علاوه بر هدفهای دانشی، هدفهای مهارتی و نگرشی هم داریم که این دو هدف، غالباً در کتابهای کار نادیده گرفته می‌شوند

درست است من امتیاز خیلی بالا نمی‌دهم؛ شاید به این دلیل که خیلی آرمان‌گرا هستم. بله، بیشترین امتیازی که داده‌ام، ۴۹ یا ۵۰ بوده است. در کار معلمی هم، سخت امتیاز می‌دهم و سخت‌گیری می‌کنم. البته اگر کتابی واقعاً خوب باشد، امتیاز می‌دهم تا به فهرست کتابهای مناسب راه پیدا کند. یعنی امتیاز ۳۶ را به آن می‌دهم که بیاید بالا.

■ ممکن است یک کتاب آموزشی، خوب باشد، ولی با برنامهٔ درسی ما نخواند؟

ممکن است مفاهیم کتاب با مفاهیم مورد تأکید برنامه تفاوت داشته باشد. مثلاً ممکن است یک کتاب علمی مربوط به نجوم، اطلاعاتی فراتر از منظومهٔ شمسی به بچه‌ها بدهد؛ مثلاً دربارهٔ کهکشانهای دیگر، سیاه‌چاله‌ها و مانند اینها ... و طوری نوشته شده باشد که مورد علاقهٔ بچه‌ها هم قرار گیرد. خوب این دانشها، هدف برنامهٔ درسی نیستند. اگر بخواهیم انطباق کتاب را با برنامهٔ درسی در نظر بگیریم، امتیاز کتاب از این نظر کم می‌شود. در چنین مواردی، به نظر می‌رسد دارد به یک کتاب خوب ظلم می‌شود و من ناچارم کاری کنم که امتیاز بیاورد.

■ منظورتان این است که فرم ارزیابی کتابها اشکال دارد؟

بعضی سؤالات به گونه‌ای هستند که اگر بخواهیم دقیقاً طبق آنها امتیاز بدهیم، ممکن است یک کتاب خوب امتیاز کافی نیاورد یا یک کتاب نه چندان خوب، امتیاز بیاورد. مثلاً یکی از ملاکها این است که تصاویر و عکسهای کتاب مناسب و جذاب باشند. ممکن است کتابی در این زمینه امتیاز خوبی بیاورد و با آن که محتوای خیلی خوبی هم ندارد، از خوان داوری بگذرد و امتیاز حد نصاب را بیاورد و تأیید شود.

■ من البته شنیده‌ام که قرار است در این فرمها تجدید نظر شود. از نظر شما چه تغییری باید بکند؟

به نظر من کتابهای کار باید به یک روش ارزش‌یابی شوند و کتابهای دانش‌افزایی که مهارت و دانش بیشتری به بچه‌ها می‌دهند، به روش دیگری.

* پس از این گفت‌وگو تغییراتی در داوری کتابها داده شده است و از آن جمله این که حداکثر امتیاز ۱۰۰ و حد کافی برای معرفی کتاب به عنوان کتاب مناسب، ۶۰ امتیاز در نظر گرفته شده است. هم‌چنین در برگهٔ آقای داوودی تغییراتی داده شد و برگه‌های کتابهای کار و دانش‌افزایی مجزا شده‌اند.

■ گذشته از این اشکال، فکر می‌کنید کاری که دبیرخانه طرح سامان بخشی طی این ۱۰ سال انجام داده، در بیرون تأثیری برجا گذاشته است؟

من والدین زیادی را دیده‌ام که دنبال کتاب خوب برای بچه‌هایشان هستند. حالا نمی‌دانم شما تا چه حد این کتابهای مناسب را به معلمان و اولیا معرفی کرده‌اید.

■ از نظر شما ما چه قدر تلاش کرده‌ایم و موفق بوده‌ایم؟

خب نمی‌توانم بگویم کار شما بی‌اثر بوده است. این انتخابها و تشویقها به هر حال روی ناشر و نویسنده اثر می‌گذارد. آنها سعی می‌کنند کتابهای معتبرتری بنویسند تا نظر شما و خواننده را جلب کنند. وقتی آموزش و پرورش کتابی را تأیید می‌کند، معلمان و خانواده‌ها به تهیه آن علاقه‌مند می‌شوند. اما به نظر، باید تبلیغات بیشتری داشته باشید. یکی از راهها مدارس است. کتابخانه‌های مدارس معمولاً در کار تهیه کتاب و در پی کتابهایی هستند که آموزش و پرورش تأیید می‌کند و این خودش خیلی اثر دارد.

■ در مجموع، در کتابهایی که بررسی کرده‌اید، فکر می‌کنید وضعیت نسبت به

قبل بهتر شده است یا نه؟

به نظر من کتابها رشد داشته‌اند و بهتر شده‌اند. همان‌طور که گفتم، حتی در کتابهای کار هم می‌بینم که تلاشهایی شده تا کتابها بهتر شوند.

■ روند داوری چه‌طور است؟ به نظر تان همین روندی که داریم مناسب است؟

به نظر من مناسب است. حضور معلمها در کار داوری و در کنار کارشناسان لازم است، منتها معلمی باید نظر بدهد که به اهداف آموزش و پرورش معتقد باشد.

■ اجازه بدهید از خودتان بپرسم چه‌طور شد به دفتر تألیف کتابهای درسی آمدید؟

وقتی درس در دانشگاه شریف به اتمام رسید، در آزمایشگاه دانشگاه مشغول به کار شدم. آن زمان چند تن از استادان دانشگاه شریف با گروه فیزیک دفتر تألیف همکاری داشتند. آن موقع گروه علوم تجربی دفتر تألیف مستقل نبود و کتابهای علوم را با کمک گروه‌های دیگر می‌نوشتند. مثلاً بخشی از آن را گروه زیست و بخشی دیگر را گروه فیزیک می‌نوشت. یکی از دوستانی که با گروه فیزیک دفتر همکاری داشت، گفت دفتر تألیف می‌خواهد کتاب فیزیک دوره راهنمایی را تغییر دهد و از من پرسید که مایلیم با آنها همکاری کنم یا نه. همان زمان به من پیشنهاد کرده بودند که در دانشگاه استخدام شوم.

■ و شما ترجیح دادید با دفتر تألیف همکاری کنید.

بله.

■ چرا؟

شاید به خاطر محیطش بود. تمایلم بیشتر به کار در آموزش و پرورش بود. به هر حال، من

به
نظر من کتابهای
آموزشی، نسبت به قبل
رشد کرده‌اند و بهتر شده‌اند.
حتی در کتابهای کار هم
تلاشهایی شده است تا
کتابها بهتر شوند



که به جمع پیوستم، خانم رستگار و چند تن از همکاران دیگر بودند. کم کم گروه مستقلی به نام علوم تجربی در دفتر شکل گرفت. بعد گروه به جای تغییر کتاب راهنمایی، تصمیم گرفت از ابتدایی شروع کند که پایه است و من در تألیف مباحث مربوط به فیزیک، در کتابهای علوم ابتدایی و راهنمایی و بعد هم کتابهای معلم این دوره‌ها همکاری کردم.

■ با کتاب و کتاب خواندن چه طور آشنا شدید؟
نقطه آغاز دوستی شما و کتاب کجاست؟

از وقتی که دانش آموز ابتدایی بودم، خیلی به کتاب علاقه داشتم. بیشتر کتابهای داستان، مخصوصاً داستان مذهبی و کتابهای مربوط به زندگی پیامبران را می‌خواندم. کوچک‌تر که بودیم، بزرگ‌ترهایمان کتابهای مذهبی می‌خواندند و ما هم در آن خط قرار گرفته بودیم. انقلاب جریان مطالعه را در ما تشدید کرد. در زمینه‌های متفاوت، مثل حجاب، اقتصاد در اسلام و ... مطالعه می‌کردیم تا هم به سؤالهایی که خودمان داشتیم جواب بدهیم، هم به سؤالهای دیگران و اشکالاتی که می‌گرفتند.

■ نام اولین کتاب علمی که خواندید، یادتان می‌آید؟

اسمش الان یادم نیست؛ اما هنوز آن کتاب را در خانه دارم. کتابی بود ترجمه‌ای در مورد آزمایشهای علوم تجربی.

■ قطعاً تعداد کتابهای کمک‌آموزشی در آن زمان، مثل الان زیاد نبود.

بله، کم بود. خب الان کتاب به مراتب خیلی بیشتر است.

■ از شرکت شما در این گفت‌وگو متشکریم.

